

ابوذر و تهمت مزدکی گری!

مورخانانی که در خدمت خلفای جبار بودند، خواسته اند نهضت ابوذر و پیام او را مسخ کنند و شکنجه‌هایی را که به او دادند، قانونی جلوه دهند و به روی یکی از جنایات بزرگ بنی‌امیه پرده بکشند. لذا ابوذر را متهم می‌کنند که افکار خود را از غیر مسلمان موهومی بنام «عبدالله بن سبا» گرفته است! ...

پشت و پهلو و رویشان داغ خواهد شد» (۱)

فقرا بر اثر تحریک او، شورش کردند و سرمایه داران را به تقسیم‌داری و ادار نمودند، ثروتمندان شکایت او را پیش معاویه بردند، معاویه هم‌اورا نزد عثمان فرستاد که مبادا اهل شام را به شورش وا دارد، چون ابوذر به مدینه رسید، عثمان از او پرسید: برای چه اهل شام از او شکایت کرده‌اند؟ پاسخ داد: توانگران نباید اموال را ذخیره کنند. مؤلف نامبرده بعد از آنکه این مطلب را از طبری نقل می‌کند، می‌گوید: از این معلوم می‌شود که عقیده ابوذر به عقیده «مزدک» در تقسیم اموال

افسانه‌ی معروف «عبدالله بن سبا»

«احمد امین» نویسندهٔ مصری، در کتاب «فجر الاسلام» بعد از آنکه راجع به «مزدک» و عقاید او بحث میکند؛ در آخر آن بحث، چنین می‌نویسد: در اینجا ما به عقیدهٔ ابوذر که از حیث تقسیم و توزیع ثروت، به آئین مزدک شباهت دارد، اشاره می‌کنیم. «طبری» می‌گوید: «ابوذر در شام قیام نموده، چنین می‌گفت: ای گروه توانگران به تهیدستان و بی‌چارگان کمک و مساعدت کنید، خداوند می‌فرماید: «کسانیرا که سیم و زر می‌اندوزند و در راه خدا اتفاق نمی‌کنند، مژده بده به آتشی که

(۱) سوره توبه آیه ۳۵

بن سبأ» زیادتکیه کرده پیدایش و افکار شیعه را بر آن شخص موهوم و خیالی نسبت داده است! بطوریکه ملاحظه می‌کنیم: در اینجا نیز قهرمان داستان او «عبدالله بن سبأ» است. هر چند اصل داستان را از طبری گرفته است، ولی چیزی که بر آن افزوده و بعقبه خود يك مشکل تاریخی را حل کرده است؛ این است که او این شخصیت افسانه‌ای را در شهر های عراق و یمن و... سیر داده و او را بعد از آشنائی با عقاید مزدکیان ایران، دوباره به مدینه و شام بر گردانده است.

سو کمندانه چیزی که به مراتب بیشتر از يك تأسف ساده است، و درخور سوگواری است، این است که: چگونه «احمد امین» گناه بزرگ این تهمت را به گردن گرفته و ابوذر، صحابی بزرگ و استوانه شیعه را متهم به مزدکی گری کرده است، بدون اینکه در اصل موضوع تحقیق و بررسی کند؟! البته این خود یکی از جنایات بزرگ تاریخ است و مورخان رسمی خلفا از این نوع جعل تاریخها دارند و شخصیت برخی از بزرگان شیعه را تحریف کرده‌اند، بعضی از نویسندگان مغرض معاصر نیز همین تهمتها را با آب و تاب بیشتر تکرار می‌کنند. مورخان رسمی خلفا با متهم ساختن «ابوذر» خواسته‌اند نهفت او و ارزشهای او پیام او را مسخ کنند و افکار مردم را منحرف سازند و تبعید و شکنجه‌ی

خیلی نزدیک است اولی ما نمی‌دانیم او این رأی را از کجا گرفته است؟ سپس اضافه می‌کند: «طبری» از این سؤال بما پاسخ میدهد و می‌گوید: «ابن السوءاء»، ابوذر غفاری را ملاقات کرد و او را به این عقیده دعوت نمود و نیز «ابن - السوءاء»، «ابو درداء» و «عبادة بن صامت» را دیده و آنها را به همین عقیده فراخواند ولی آنها نپذیرفتند، «عبادة» او را نزد معاویه برده، گفت: بخدا سوگند این شخص (ابن سوءاء) ابوذر را به قیام و شورش واداشته است، (۲)

«احمد امین» بعد از نقل این دو قسمت از تاریخ طبری، اضافه می‌کند: «باید دانست که «ابن سوءاء» لقب «عبدالله بن سبأ» است و او یهودی و از اهل صنعاء بوده که در زمان عثمان مسلمان شده بود. او می‌خواست دین اسلام را خراب کند، بدین سبب عقاید باطل خود را در میان مسلمانان پخش نمود... عبدالله در اغلب ممالک مسافرت و سیاحت کرده، حجاز و بصره و کوفه و مصر و شام را دیده بود به احتمال قوی «عبدالله بن سبأ» عقیده «مزدک» را از عراق یا یمن اخذ نمود، و ابوذر را که ساده و دارای قلب پاک بود، تبلیغ نموده است...» (۳)

«احمد امین» روی تعصب و عادت نفاق جوئیانه‌ی که دارد، در کتابهای خود به داستان موهوم «عبدالله

(۲) تاریخ طبری ج ۳ طبع مصر سال ۳۰ صفحه ۳۳۵ - دائرة المعارف: محمد فرید و جدی ج ۶

ص ۱۶۰

(۳) فجر الاسلام: طبع قاهره: ص ۱۱۰ و ص ۱۱۱ - پرتو اسلام: ترجمه: فجر الاسلام ج ۱ ص

۱۴۶ - ۱۴۷ - تاریخ سیاسی اسلام: دکتر ابراهیم حسن: ج ۱ ص ۲۷

اسلامی در جلد اول کتاب «علی و بنوه» در وجود ابن سبا تشکیک کرده و سپس در جلد دوم، اصولاً منکر وجود او شده است. (۲)

وی در ضمن بحث مفصل و باارزشی که در این باره دارد، با تعجب میگوید: «از همه عجیبترین است که میگویند: «ابن سبا» به ابوذر آموخت که سخن معاویه که میگوید: «بیت المال مال خدا است» درست نیست و باید بگوید: مال مسلمانان است. و بازمیگویند: او بود که به ابوذر آموخت... طلای نقره اندوزان را مژده دهد که پشانی و پهلوها و پشتهای آنان را در قیامت بدان مالهای اندوخته، داغ میکنند. من هیچ ظلمی را چنین نمی بینم آخر، ابوذر چه احتیاجی داشت که نو مسلمان غریبی، بدو تعلیم دهد که فقرا بر توانگران حق دارند و خدا مال اندوزان را که چیزی در راه او نمی دهند، از عذاب سخت ترسانده است؟... «ابوذر» احتیاجی نداشت که این مرد غریب، حقایق اولیه اسلام را بدو بیاموزد.

«ابوذر» پیش از همه انصار و پیش از بسیاری از مهاجران، مسلمان شد، مدتی طولانی با پیغمبر هم صحبت بود، قرآن را نیکو حفظ داشت، سنت را خوب روایت می کرد.

آنها که گمان می کنند ابن سبا، «ابوذر» را دید و سخنان خود را بدو آموخت درباره خود و ابوذر ستم می کنند.

پس از آنکه ابوذر از شام برگشت روزی به عثمان

اورا شرعی و قانونی قلمداد نمایند و برستمگران و جنایتکاران تاریخ خدمتی انجام دهند و به روی یکی از جنایتهای بزرگ بنی امیه پرده بکشند.

غافل از اینکه نه جنایات بنی امیه در تاریخ اسلام قابل برده پوشی است و نه عظمت و شخصیت صحابی بزرگ «ابوذر» برای مسلمانان ناشناخته است. هر گاه تعصب را کنار بگذاریم، می بینیم: ابوذر هیچوقت خواستار اشتراکیت بمعنی صحیح کلمه نبوده است و او نمی خواسته مالکیت فردی در جامعه اسلامی نباشد، بلکه او در برابر اسراف کاریها و گشاده بازهای بنی امیه و سرمایه داران آن عصر، مبارزه خود را شروع میکند، با الهام از تعالیم زنده اسلام، فریادی به طرفداری از طبقه محروم و بیچاره آن روز، بلند می نماید، بیچارگان و ستمدیدگان را بدور خود جمع کرده آنان را بشدت برضد دستگاه تنگین بنی امیه تحریک میکند.

این تهمت که به ابوذر زده شده، بر اساس افسانه خرافی «عبدالله بن سبا» است، جائی که طبق تحقیقات محققان، «ابن سبا» وجود خارجی نداشته است، بی پایگی این اتهام هم کاملاً روشن است. البته این موضوع فقط ادعای نیست، نویسندگان در این باره دلائلی دارند که ما قسمتی از آنها را که مربوط به این بحث است بعنوان نمونه نقل نموده و تفصیل بیشتر را بوقت دیگری موکول می کنیم:

«دکتر طه حسین» نویسنده معروف و دانشمند

(۲) - کتاب «علی و بنوه» تألیف «دکتر طه حسین» ترجمه: فارسی: «علی و فرزندانش» به قلم:

محمد علی خطیلی ص ۱۱۲ - ۱۱۷

دشمنان شیعه به شیعه زده اند ، بسیاری بینیم...» (۵)

* * *

هر جنبش اجتماعی را مخالفان به

تحریک اجانب نسبت میدهند

«دکتر علی الوردی» استاد دانشگاه بغداد ، در شناخت علل وانگیزه شورش زمان عثمان ، اصلی را نشان داده که بی نهایت قابل توجه است و یکی از اصول جامعه شناسی امروز ، و تاریخ است. اومی نویسد : «... آیا محیط اجتماعی اسلامی آن روز ، احتیاج بکسی داشت که محرکش برقیام و شورش باشد ؟»

معلوم می شود مورخان که داستان «ابن سبا» را نقل کرده اند ، تصور میکردند که محیط اجتماعی اسلام ، در آن وقت راضی و آرام و مطمئن میزیسته است ، و هیچ موضوعی نبوده که باعث اضطراب و عدم رضایتش شود ... در آن روز محیط اجتماعی اسلامی ، گرفتاریک مشکل بزرگ اجتماعی بوده ، و فاصله زندگی میان ثروتمند و فقیر ، بحدی بود که مایه نفرت بود .. و شورش راحتمی می نمود ، و ما احتیاجی به بیان علت ظهور آن نداریم ، بلکه به آن احتیاج داشتیم ، که اگر شورش روی نمی داد بعلت و سبب آن رسیدگی کنیم ... «ابن سبا» که می گویند محرك شورش بود ، همانطور که «دکتر طه حسین» گفته است ؛ يك شخصیت موهوم بود و چنین می نماید که این شخصیت عجیب را عمداً ساخته اند ، و مخلوق همان ثروتمندانی است که ، شورش بر علیه آنان باشد و این روش ، از هادات

گفت : کسی که زکات مال خود را داده ، نباید تنها بدان قناعت کند ، بلکه باید بقرا ببخشد ، بگرسنه بخوراند و مال خود را در راه خدا بدهد.

«کعب الاحبار» حاضر بود و گفت کسی که زکات واجب را داد ، دیگر با کسی بر او نیست . «ابوذر» بر آشفت و به کعب گفت : یهودی زاده این حرفها بتوجه ؟ می خواهی دین ما را بما بیاموزی؟ سپس او را با عصائی که داشت زد ! ...

«ابوذر» به کعب اعتراض میکند که چرامی - خواهد احکام دین را بدو بیاموزد ؟ و چرا در مسائل بدیهی اسلام در کار مسلمانان مداخله میکند . آنوقت

چنین کس ، اصلی از اصول اسلام و حکمی از احکام قرآن را ، از ابن سبا تعلیم می گیرد ؟ ! با آنکه «کعب» زودتر از «ابن سبا» (هرگاه واقعت داشته باشد) مسلمان شده بود و در مدینه سکونت داشت و شب و روز با اصحاب پیغمبر سر می برد ... عجب است که مردی از اصحاب پیغمبر ، بر «کعب» اعتراض میکند که چرا در مسائل دینی دخالت میکند ، آنوقت خود وی تبلیغات ابن سبا را قبول کنند !!

«دکتر طه حسین» همچنان به سخنان منصفانه خود ادامه داده و می گوید : دشمنان شیعه ، در خلافت امویان و عباسیان ، درباره ابن سبا مبالغه کرده اند ، تا مردم را درباره بدعتهایی که از جانب «عثمان» و عمال او پدید آمده بشک اندازند و از طرف دیگر به «علی» و شیعیان او طعنه زنند و پاره ای از عقاید شیعه را ناشی از تعلیمات مردی یهودی بدانند ، که از روی حيله مسلمان شده است ، ما از طعنه هائی که

(۵) کتاب : «الفتنة الکبری» تألیف «طه حسین» ترجمه : دکتر سید جعفر شهیدی ص ۱۴۰ بیعد

قیصری و کسرائی، و سادگی به تشریفات پرشکوه
دربار معاویه و دستگاه عریض و طویل عثمان تبدیل
گشت .

محرومان و توده زحمتکش و ازبا افتاده درزیر
قدمهای رباخواران و برده فروشان و ثروتمندان و
اشراف ، بامال گشتند ...

اختلاف طبقاتی و تمرکز ثروت در دست عده‌ای
معدود ، بازاحیا شد و اسلام را خطری بزرگ تهدید
می کرد . بیت المال بین امویها و اطرافیان دربار
عثمان تقسیم میشد .

هزاران دینار برای ساختن « کاخ سبز » برای
حاکم اسلامی ۱۱ « معاویه » خرج شد و عثمان تمام
قلعه خیبر و پنج يك مالیات سراسر آفریقا را بمروان
بخشیده و سیصد هزار درهم به « حرث بن ابی العاص »
و صد هزار درهم به یزید بن ثابت داده بود . بدین
ترتیب امویین بیت المال را تیول خود ساخته
بودند . (۷)

« ابوذر » آن صحابی بزرگ و مسؤل ، این صحنه
شرم آور را میدید و چون دیگر نمی توانست طاقت

طبقات اشرافی و تن آسا است و در تمام مراحل
تاریخی نسبت به انقلابیون ، این رویه را داشته اند ...
باید دانست که ثروتمندان و آسایش طلبان ،
هر مرام جدیدی را منتسب بیک حرکت بیگانه میکنند
و چنانکه پرفسور « سمل » میگوید : این اتهامات در
مراحل مختلف تاریخی دیده شده است . . .

نتیجه‌ای که « دکتروردی » پس از نقل این مطلب
می گیرد ، این است که : ظاهر آفتودالها وار بابان
بزرگ زمان عثمان ، از شکایات و نارضایتی های مردم که
از ثروت های بی پایان آنان داشتند ، بیمناک و هراسان
شدند و آن ناخوشنودی و شکایات را نسبت بیک
یهودی ناخوانده ای دادند که آمده بود ، تا در
حق اسلام و مسلمین اعمال دشمنی کند ، گوئی می -
خواستند با این شایعه ، علت اصلی شورش و
قیام مردم را علیه خود بیوشانند ... » (۶)

آری هنگامیکه حکومت بنی امیه به ریاست
عثمان بر اسلام مسلط شد ، تزلزلی در مبانی حکومت
اسلامی پدید آمد ، بطوریکه خلافت اسلامی به
سلطنت ، و کوخ زمامداری اسلامی ، به کاخ

(۶) « نقش و عاظ در اسلام » تألیف : دکتر علی الوردی ، ترجمه « و عاظ السلاطین » ص ۱۳۰-۱۳۱
اینها نمونه تحقیقات ارزنده دانشمندان اهل تسنن است که در پاسخ نویسندگان مغرض کافی است .
خوشبختانه دانشمندان شیعه نیز در این باره تحقیقات با ارزشی دارند که این مجال ، گنجایش آنها را ندارد
به کتابهای زیر مراجعه شود : ۱ - کتاب : « عبدالله بن سبا » تألیف : مرتضی عسکری ۲ - الغدیر ج ۸ از
صفحه ۳۲۴ تا آخر ۳ - کتاب « الی مشیخة الازهر » تألیف : استاد عبدالله السیتی ، طبع بغداد
صفحات ۱۱۵ تا ۱۱۸

(۷) در این باره به کتابهای : « المداللة الاجتماعية فی الاسلام » سید قطب و کتاب « و عاظ السلاطین »
دکتروردی و کتاب ابوذر غفاری : جودة السحار و کتاب « الاسلام المقتری علیه ... » تألیف محمد غزالی -
مراجعة شود .

تا آن منظره را دیده‌ام و او رو کرد و گفت: ای معاویه اگر این اذمال مردم است خیانت است، و اگر مال عودت می‌باشد اسراف.

چهره معاویه از شرم سرخ شده و جوابی نداد، ابوذر به مسجد آمدنطقی ایراد کرد و گفت: جریانی بوجود آمده که من تاکنون آنرا نشناخته‌ام، بخدا قسم که این نوع اعمال نه در کتاب خداست و نه در رفتار و سیره پیغمبرش، بخدا که می‌بینم حتی پاپیمال شده و باطلی زنده گردیده و راستگورادروغگو جلوه داده و هر ج و مرج پدیدار گشته است...» (۸)

بیاورد با استناد به آیه شریفه: «والذین یسکتون الذهب والفضة...» مبارزه خود را بر ضد حکام وقت شروع نمود، ابوذر فریاد می‌زد این سرمایه های هنگفت و سیم وزرهاییکه اندوخته میشود، باید میان مسلمانان به تساوی تقسیم گردد و نباید در سایه برابری و برادری اسلام همه از مواهب زندگی بر خوردار گردند. ابوذر این طرز فکر را، از رسول خدا یاد گرفته بود و لذا «هنگامیکه بشام رسید، معاویه کاخ سبز را می‌ساخت و هزاران کارگر، برده و اردر آن بکار مشغول بودند، معاویه با ضعف و شادی بسیار آنجا ایستاده بود، ابوذر از آنجا میگذشت

دودکا، عامل افزایش جنایت در شوروی:

ارگان حزب کمونیست گرجستان شوروی نوشت که «جنایت در اتحاد شوروی نتیجه شرایط اجتماعی نیست» و سپس ادعا کرد که معتادان به الکل مسؤل افزایش جنایات، تجاوزات و دزدیها در جمهوری «گرجستان» شوروی هستند. این روزنامه صریحاً خاطر نشان ساخت که قانون، پلیس و مجازاتهای مختلف تأثیر چندانی نداشته و نتوانسته اند مانع بروز جنایات ناشی از مصرف «دودکا» بشوند. (کیهان شماره ۹۱۳۵)

(۸) ابوذر غفاری: «عبدالحمید جودة السحار» نویسنده بزرگ مصری از ترجمه فارسی طبع مشهد

ص ۱۳۹